

گروه آندیشه: نخستین مجلد مجموعه «هوموساگر» در سال ۱۹۹۵ منتشر شد.

گروه آندیشه: نخستین مجلد مجموعه «هوموساگر» در سال ۱۹۹۵ منتشر شد. اما نظم و پیوستگی مجموعه حاضر بسیاری را گیج کرده بود. چون مجلد‌ها منظم و به‌ترتیب منتشر نشده‌اند. مثلاً بخش اول مجلد دوم در سال ۲۰۰۳ منتشر شد و بخش دومش سال گذشته، با مجلد سوم قبل از مجلد دوم منتشر شده است. با این‌حال، جورجو آکامبن به‌تازگی نظمی به پازل هوموساگر داده است به این ترتیب:

- هوموساگر: قدرت حاکم و حیات برهنه - ۱۹۹۵
- ۲۰۱ وضعیت استثنایی - ۲۰۰۳
- ۲۰۲ سکون: جنگ داخلی در مقام پارادایمی سیاسی - ۲۰۱۵
- ۲۰۳ آیین مقدس زبان: دیرینه‌شناسی - ۲۰۰۸
- ۲۰۴ ملکوت و جلال: تبارشناسی الاهیات ا اقتصاد و جلال - ۲۰۰۷
- ۲۰۵ کار خدا: دیرینه‌شناسی تکلیف - ۲۰۱۳
- ۳ بقایای آشوبتس - ۱۹۹۸
- ۴۰۱ والاترین فقر - ۲۰۰۸
- ۴۰۲ کاربرد بدن‌ها - ۲۰۱۶

به‌رغم ترجمه قابل توجه آثار آکامبن، شرح آراء و استقبال چشمگیری که از نظریه‌اش در ایران شد، تاکنون فقط یک بخش و اندی از مجموعه هوموساگر به فارسی ترجمه شده است: فصل اول مجلد یکم در جلد دوم کتاب‌های رخداد، «قانون و خشونت»، در سال ۱۳۸۷ و امسال نیز «وضعیت استثنایی» با ترجمه پویا ایمانی. «وضعیت استثنایی» در این مجموعه به‌دلیل ربط مستقیمی که با وقایع بعد از ۱۱ سپتامبر داشت جایگاهی یافت که تقریباً هیچ تحلیل جدی سیاسی نمی‌تواند انکارش کند، چراکه اکنون دیگر ایده محوری کتاب واقعیتی بدیهی است: «وضعیت استثنایی رو به آن دارد که به پارادایم اصلی حکومت در سیاست معاصر بدل شده». (ص ۲۲) بعد از اعلام وضعیت اضطراری ۲۰ نوامبر در فرانسه و دیگر کشورهای اروپا و آمریکا در سال‌های گذشته «وضعیت استثنایی در دموکراسی‌های غربی به پارادایم معمول حکومت بدل شده» (ص ۱۳) و از این‌رو، کتاب حاضر با توجه به آشوب‌های خاورمیانه و انعکاس واقعی آنها در اروپا و آمریکا اهمیتی دوچندان یافته است. خصوصاً از این حیث که آکامبن در کنار تحلیل خود تک‌جابهایی را برای تولد دوباره سیاست باز می‌گذارد.

مفهوم «وضعیت استثنایی» برگرفته از نظریه قانون کارل اشمیت در رساله الاهیات سیاسی (۱۹۲۲) است. او برای نخستین‌بار «زندیکی ماهوی وضعیت استثنایی و حاکمیت را برقرار کرد». (ص ۱۹) طبق نظریه حاضر، حاکم در وضعیت استثنایی به‌نام منافع همگانی را یا فراتر از قانون می‌گذارد و «درباره وضعیت استثنایی تصمیم می‌گیرد» (همان) و سیاست نیز چیزی نیست جز تصمیم‌گیری او در وضعیت استثنایی. اگرچه همه واقعیت‌های تاریخی، شواهد و مدارک تا به امروز موید بسیاری از ابعاد دیدگاه شدیداً اقتدارگرا، غیرانسانی و واقع‌بینانه اشمیت است، آکامبن در مجلد دوم هوموساگر نظریه اشمیت را در کنار بحث بنیامین در باب خشونت در بدن جامعه مدرن و زندگی ساکنانش بسط و در نتیجه نشان می‌دهد حرف آخر در این زمینه نیست. کتاب حاضر همچون دیگر آثار آکامبن درباره زندگی است: زندگی‌ای که به انقیاد قانون درآمده است، آکامبن وضعیت استثنایی را ابزار این انقیاد می‌داند که به تعبیر او در حکم برزخ بین حقوق عمومی و واقعیت سیاسی، بین نظم حقوقی و زندگی، است. (ص ۲) او در این کتاب بیش از هر چیز می‌کوشد با تبارشناسی وضعیت استثنایی نشان دهد وضعیت‌های استثنایی چندان هم استثنایی نیستند و طبق حکم مشهور بنیامین نتیجه می‌گیرد بدل به قاعده شده‌اند.

باز گشت به فوکوی مقدم

«نشانگر همه چیزها» متشکل از سه فصل است که هر کدام با تحلیل یک مفهوم مشخص شروع می‌شود و در حکم پیش‌درآمد آکامبن برای تحلیل ایده آن فصل در چارچوب فلسفه غرب است. فصل اول و سوم هر دو به فوکو اختصاص دارند، یکی با تمرکز بر مفهوم «پارادایم» و دیگری درباره نظریه «دیرینه‌شناسی» او. فصل دوم که با تأمل بر پاراسلوس شروع می‌شود حول نظریه «نشانگرها» می‌گردد.

طره‌ه آنکه هر سه این ایده‌های فوکویی در «دیرینه‌شناسی دانش» و «نظم اشیاء» آمده‌اند و آکامبن برای تدقیق استدلال‌هایش بیش از همه به این دو متن رجوع می‌کند. تمرکز بر این دو متن در نگاه اول به دو جهت عجیب به نظر می‌رسد: اولاً طی دو دهه گذشته علاقه فوکوشناسان و پژوهشگران بیشتر معطوف به فوکوی «متاخر» شده، فوکوی حکومت‌مندی، انتشار قدرت در سطح جامعه، و مجموعه «تاریخ امر جنسی». ثانیاً، آکامبن در تأثیرگذارترین کتابش، هوموساگر، به این دوره فوکو اهمیت زیادی می‌دهد. چنین رویکردی در کتاب حاضر حاکی از نوعی ناهمزمانی است، گامی به عقب به دهه ۱۹۷۰ که کارهای اولیه فوکو شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی و علوم انسانی را دگرگون کرد. ولی انتخاب‌های آکامبن ناشی از روشی خاص است، روشی که در فصل آخر عیان می‌شود و فوریت تبیین روش‌شناختی این کتاب را آشکار می‌کند. دغدغه آکامبن نه دفاع از اهمیت روش‌شناسی فوکو یا واسازی روش‌های رقیب، بلکه نحوه ارتباط روش فوکو با نظریه‌های خود اوست. برای مثال، فصل اول با مقایسه نظریه پارادایم در فوکو و توماس کوهن آغاز می‌شود ولی بلافاصله هر دوی آنها را رها می‌کند و این‌نظریه را به تفکر ارسطو، کانت، افلاطون، هایدگر، گوته و دیگران پیوند می‌زند و طی این فرایند نشان می‌دهد چگونه مفهوم پارادایم ارتباط وثیقی با ایده‌های او درباره قیاس و تکنیکی دارد. مترجم فارسی قیاس (analogy) را همه‌جا تمثیل ترجمه کرده است که گرچه معنای بارفشی آن می‌تواند شباهت یا تمثیل باشد اما معنای فنی آن دقیقاً قیاس است. در منطق analogy به قیاس تمثیلی یا قیاس از راه تمثیل اطلاق می‌شود. این در حالی است که مترجم تمثیل (allegory) را نیز همه‌جا «قیاس» ترجمه کرده



نشانگر همه چیزها

جورجو آکامبن

ترجمه: علی فردوسی

ناشر: دیپایه

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان



جورجو آکامبن، فیلسوف ایتالیایی، در سال ۲۰۱۱ در دانشگاه کلمبیا، نیویورک

جورجو آکامبن، فیلسوف ایتالیایی، در سال ۲۰۱۱ در دانشگاه کلمبیا، نیویورک

همچنین نشان می‌دهد چگونه نظام حقوقی - سیاسی ما موتوری به نام «وضعیت استثنایی» تبدیل به ماشین کشتار می‌شود. تحلیل کتاب از یک سبو تاریخی است به این معنا که نشان می‌دهد چطور یک استثنا در تحولات تاریخی به یک شکل عادی حکمرانی تبدیل می‌شود. هدف وجه تاریخی شناخت تبعات وضعیت استثنایی در دموکراسی مدرن غربی است. از سوی دیگر، این تحلیل نظری- سیاسی است به این اعتبار که نحوه پیوند قانون و بی‌قانونی را در وضعیت استثنایی عیان می‌کند. از این‌رو، تعریف وضعیت استثنایی تا حدودی دشوار به نظر می‌رسد. نخست به خاطر «رابطه نزدیک آن با جنگ داخلی». (ص ۲۱) دوم به این دلیل که «وضعیت استثنایی نوع خاصی از قانون (نظیر قانون جنگ) نیست، بلکه چون در حکم تعلیق نظام حقوقی است، معرف آستانه قانون یا حد مفهوم قانون است». (ص ۲۵) به همین جهت در نظر آکامبن طرح مسئله مرز یا حد بیش از پیش ضرورت می‌یابد. (ص ۲۰) آکامبن تعریف وضعیت استثنایی را از تبارشناسی آن در تاریخ سیاسی اروپا به دست می‌آورد: از خاستگاه‌های کهن آن در حقوق روم تا مظاهر مدرنش در فرانسه انقلابی، آمریکای دوره جنگ داخلی، جمهوری وایمار، آلمان نازی و ایتالیا فاشیست. این تاریخ اثبات می‌کند وضعیت استثنایی دقیقاً همان ابزاری است که حاکمان توتالیتیر در اروپا با آن سر و کار آمدند. آکامبن



وضعیت استثنایی

جورجو آکامبن

ترجمه: پویا ایمانی

ناشر: نی

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

اندیشه

وضعیت‌های استثنایی قانون را می‌سازند

با تشریح تاریخی-مفهومی وضعیت استثنایی نشان می‌دهد چگونه تبدیل آن «از تمهیدی موقتی و استثنایی به تکنیکی حکومتی، ساختار و معنای تمایز سنتی میان اشکال قانون اساسی را در معرض استحاله رشه‌ای قرار می‌دهد. از این منظر، وضعیت استثنایی عملاً در آستانه تعیین‌ناپذیری میان دموکراسی و غیر دموکراسی جلوه‌گر می‌شود». (ص ۲۲) به عبارت دیگر، وضعیت اضطراری سبزی نیست که از دموکراسی دفاع کند بلکه برعکس، همواره به یاری دیکتاتوری و استبداد می‌آید. آکامبن در این خط سیر، ویژگی اصلی وضعیت استثنایی را «تعلیق (کامل یا نسبی) نظام حقوقی» (ص ۵۷) می‌داند. اما این تعلیق چطور می‌تواند همچنان مشمول و منظور در قانون باشد؟ آکامبن در پاسخ به ابهام این تعریف، وضعیت استثنایی را نه بیرون از نظام حقوقی می‌داند و نه درون آن. به همین دلیل است که «مسئله تعریف آن دقیقاً به یک آستانه یا منطقه عدم تمایز بر می‌خورد، آنجا که درون و بیرون دافع و نقیض هم نیستند، بلکه با هم خلط می‌شوند و مرزهایشان مشوب می‌شود». (ص ۵۷) تفسیری درخشان که در فهم وضعیت سیاسی معاصر بسیار کارساز است. با این حساب، آیا می‌توان این منطقه عدم تمایز را یک خلا دانست؟ آکامبن می‌گوید: «وضعیت استثنایی نه واکنشی به خلا هنجاری بلکه گشودن خلایی است جعلی در نظم قانونی مستقر با هدف حراست از هنجار و قابلیت اعمالش در شرایط عادی. خلا درون قانون نیست، بلکه به رابطه آن با واقعیت و نفس امکان اعمالش برمی‌گردد». (ص ۷۰) به عبارت بهتر، وضعیت استثنایی خود یک خلا است که به نظام قانونی شکل می‌دهد.

تعریف تاریخی- مفهومی آکامبن از وضعیت استثنایی تا زمانه حاضر نیز ادامه می‌یابد. او با کمک نظریه بنیامین درباره پیوند خشونت و قانون نظریه اشمیت را پایان ماجرا نمی‌داند و تأکید دارد چون امروز خود مفاهیم دولت و قانون مسئله‌اند، پس بازگشت به وضعیت قانون واقعی از دل وضعیت استثنایی محال است. (ص ۱۶۶) اما در عین حال وضعیت استثنایی را در نسبت با زندگی و قانون می‌خواند. آکامبن در میدان تنش زمانه ما از دو نیروی معارض می‌گوید: «نیروی که وضع و تأسیس می‌کند و نیرویی که خلغ می‌کند و ناکار می‌سازد. وضعیت استثنایی هم نقطه تنش حادثری این دو نیرو است و هم آن چیزی است که امروزه تهدید می‌کند این دو نیرو از هم تمییزناپذیر و غیرقابل تشخیص شوند». به نظر آکامبن زیستن در وضعیت استثنایی به معنای تجربه همزمان هر دو امکان است و بنابراین تکنیک مدام این‌دو نیرو به‌همزله وقفه‌نااختن در کار ماشینی است که غرب را به سوی جنگ داخلی عالم‌گیر پیش می‌راند. (ص ۱۶۷) از این‌رو، تبیین بی‌ارتباطی قانون با زندگی و بر عکس «به معنی گشودن فضایی است مابین آنها برای کنش انسانی، کنشی که زمانی نام سیاست به خود داده بود». (همان) اگر پذیرفته باشیم که سیاست به محاق رفته، برای آکامبن دلیلش آغشته‌شدن به قانون است. در نظر آکامبن «بگانه‌کنش سیاسی آن عملی است که رشته پیوند خشونت و قانون را بگسلد». (همان) به عبارت بهتر امکانی را ناکار سازد که وضعیت استثنایی را به قانون گره می‌زند. به همین دلیل از قانون ناب می‌گوید، دقیقاً به همان معنایی که بنیامین از زبان و خشونت ناب حرف می‌زند. «کلامی که نه مقید و ملزم می‌کند، نه فرمان می‌دهد، نه منع می‌کند، بلکه فقط خودش را بیان می‌دارد قرین و متناظر است با کنش به‌مثابه وسیله محض که بدون هیچ‌گونه ارتباطی با یک هدف معین صرفاً خود را عیان می‌کند». (ص ۱۶۸) آکامبن برای احیای سیاست بین آن دو به دنبال کاربرد و پراکسیسی انسانی است که قدرت قانون و قدرت اسطوره کوشیده‌اند در وضعیت استثنایی منقادش کنند.

از کار انداختن ماشین قدرت

«ذات تجربه آگاهی نیست بلکه زبان است.» (جورجو آکامبن، الکس ماری، ترجمه فرهاد اکبرزاده، صفحه ۴۷) این نتیجه‌گیری چکیده پروژه فکری آکامبن است. او با وام‌گیری این ایده هایدگر که «زبان از خود و با خود، اما از طریق انسان سخن می‌گوید» آغازگاه فلسفی خود را مسئله زبان قرار می‌دهد. از نظر او منفیت زبان ناساز‌ه‌ای است که از شکاف میان زبان و آوا پدیدار می‌شود. این منفیت در کار آکامبن بنیادی است چون او تمام وجوه زندگی بشر را از این واقعیت ناشی می‌داند که انسان با چیزی تعریف می‌شود که دارد و درعین‌حال ندارد. زیرا زبان انسان برخلاف حیوانات نه آوآمچور که لوکوس‌محور است. او این مسئله اساسی را در هستی‌شناسی خود به تفصیل باز و تکرار می‌کند. آکامبن در کتاب «کودکی و تاریخ»-کودک را به‌عنوان بسیاری برای رویارویی با مسئله منفیت زبان قرار می‌دهد که در کار هایدگر آن را کشف کرده بود. کودکی بنیان شفاف میان زبان و گفتار است. او به این وسیله درصدد است تا نوعی روش‌شناسی انتقادی مطرح کند که قادر به بررسی تاریخ انسان به‌مثابه تاریخ تقسیم یا تاریخ شفاف است. در مواجهه با مسئله کودکی، ما با تجربه مواجه می‌شویم. به این وسیله او به بررسی مسئله زبان و ناتوانی اسان مدرن از تجربه (که در آثار والتر بنیامین مطرح شده بود) و رابطه زبان انسانی با زبان الهی می‌پردازد. به زعم آکامبن ما با تجربه زبان به طور اخص در مرکز مسئله سوبژکتیویتی مدرن قرار می‌گیریم. این نوع توجه به زبان و استفاده از نتایج فیلولوژی که در بن‌مایه‌های دیرینه‌شناختی او نیز تکرار می‌شود تشابهات زیادی با شالوده‌شکنی دریدایی دارد با این تفاوت که برای آکامبن بیرون از متن، وظیفه سیاسی «اجتماع آینده» وچود دارد.



جورجو آکامبن

الکس ماری

فرهاد اکبرزاده

ناشر: دیپایه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

ادامه از صفحه ۱۰

تحلیل طبقاتی از منظری غیرآکادمیک

«در همان هنگام که مارکس قطبی‌شدن طبقاتی را تشخیص داد، توکویل یکسان‌شدن روبه‌گسترش وضعیت، فرآیرشدن روبه‌های مردم‌سالارانه و ازدیاد هنجارها و سلوک برابری‌خواهانه را ترسیم کرد». (ص ۲۲۵) دورکیم نیز تعلق خاطر به منازعات طبقاتی را در چارچوب همبستگی مکانیکی جامعه سنتی ارزیابی می‌کند و به همبستگی ارگانیک جامعه مدرن. ولی امور مربوط به مالکیت، سلسله‌مراتب جنسیتی و نابرابری‌های سیاسی را برآمده از ته‌نشست نیرومندی از تقدس تابوها و مناسک باستانی می‌داند.

جوامع مدرن غربی را می‌توان برحسب دو عامل ساختارهای مولد (منفرد یا چندگانه) و صورت‌بندی اجتماعی (نیرومند یا ضعیف) به سه دوره تقسیم کرد: ۱) جوامع مدرن اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که در آن صورت‌بندی اجتماعی قوی بود و دو طبقه کارگران بدی و بورژوازی صنعتی در نیرومندترین حالت خود قرار داشتند. در این جوامع نشانه‌ای از گذار از قشربندی رستهای به طبقاتی دیده می‌شد. (ص ۲۲) جوامع صنعتی مدرن - تا آغاز دهه ۷۰ - که در آن سلسله‌مراتب بوروکراتیک (و تخصصی) و تقسیم‌بندی طبقاتی هم‌پوشان بودند و به عبارت دیگر صورت‌بندی طبقاتی در آن ضعیف بود. این امر نشانگر گذار از قشربندی طبقاتی به قشربندی مختلط است که نیروهای کار زیادی و جنسیتی نیز هویت‌مندتر شده‌اند. (ص ۳) جوامع پساصنعتی متاخر بیست‌مدرن که قراردادهای جمعی در آن رو به زوال و جهانی‌شدن، فردگرایی فزاینده و تخصصی‌شدن هرچه بیشتر شغال باعث نابرابری پیچیده غیر طبقاتی شده است. در این شرایط که مصرف انبوه در دستور کار قرار گرفته، تکیه به تولید نیز به مثابه تکیه‌گاه طبقات اهمیت خود را از دست داده و نقش پایگاه اجتماعی هم به واسطه فردگرایی و تنوع در سبک زندگی تضعیف شده است. احزاب سیاسی سازمان‌یافته نیز به واسطه رویکرد پوپولیستی از جایگاه قبلی خود برخوردار نیستند. «فرهنگ سیاسی جدید پدیدآورنده چندپارگی سیاسی و ائتلاف‌های کوتاه‌مدت

است. این فرهنگ، از «سیاست‌های مسئله‌محور» حکایت می‌کند و به جای شکاف‌ها و سیاست‌های سازمان‌یافته طبقه‌محور، به بسیج جنبش‌های اعتراضی کوتاه‌مدت پاسخ می‌دهد. (ص ۲۵۶) در نهایت الین رایبت در فصل پایانی نتیجه می‌گیرد که چگونه سنت‌های مختلف تحلیل طبقاتی بر پرسش‌های محوری متفاوتی متمرکز شده‌اند و چگونه تفاوت این پرسش‌ها، شالوده بنیادی از تفاوت‌های آنان در دریافتشان از طبقه است. «طبقه به مثابه یک دسته‌بندی ذهنی حول سبک‌های زندگی می‌چرخد؛

در برخی دیگر حول حرفه‌ای تفکیک‌شده و جایی دیگر حول سطوح درآمد». (صص ۲۴۳-۲۴۴) طبقه از نظر عینی این‌گونه تعریف می‌شود که «مردم… در توزیع نابرابری‌های مادی چه جایگاهی کسب می‌کنند؟» (صص ۳-۲۴۲) و از نظر ذهنی این‌گونه‌که «چه چیزی توضیح می‌دهد که مردم چگونه به شکل فردی و جمعی، خود و دیگران را به لحاظ ذهنی در ساختار نابرابری جای می‌دهند؟» (ص ۲۶۳) «در دستور کار گسترده تحلیل طبقاتی مارکسیستی، مفهوم طبقه تنها به توصیف و تبیین بسنده نمی‌کند، بلکه سهمی نیز در انتقاد از جامعه سرمایه‌داری دارد». (ص ۲۷۳) «می‌توان برای مطالعه تحرک طبقاتی ویرری بود؛ برای مطالعه تعیین‌کننده‌های طبقاتی سبک زندگی بورژوئی؛ و برای انتقاد از سرمایه‌داری مارکسی». (همان)

کتاب حاضر دید جامعی از مفهوم طبقه و نحوه تعریف آن در دیدگاه‌های رقیب به دست می‌دهد. در ترجمه فارسی آن نیاز به ویرایش به وضوح مشهود است و در برخی موارد خواننده را به بی‌رحمت می‌اندازد. با این‌همه، خود کتاب برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان قابل فهم است.

تأمل

تخم‌مرغ و دیوار

دیوید کیشیک . ترجمه: فرشید فرهمندی

«این وظیفه انسانی ماست: اینکه تخم‌مرغ‌ها را دوباره کنار هم قرار دهیم، چون هر کدام از ما یک هامپتی‌دامپتی است و کمک به هر یکی، کمک به همه ماست». (پل استر، شهر شیشه‌ای، فصل ۹) هاروکی موراکامی، نویسنده مشهور ژاپنی، در خطابه خود به هنگام دریافت جایزه ادبی اورشلیم، در پاسخ به کسانی که از او خواسته بودند در اعتراض به کشتار مردم غزه از پذیرش این جایزه امتناع کنند، گفت: «در رویارویی میان دیواری بلند و مستحکم و تخم‌مرغی شکننده، من همواره طرف تخم‌مرغ خواهم ایستاد؛ اما لازم است بدانیم که هر یک از ما جانی یگانه و بی‌همتا داریم که در پوسته‌ای شکننده مثل تخم‌مرغ محصور است. این حقیقت وجودی هر یک از ماست. هر کدام از ما کم‌وبیش در مقابل خود دیواری بلند می‌شمارد. بنابراین شروع می‌کند به کشتن ما یا باعث می‌شود ما خودمان با خونسردی و به صورت سیستماتیک، یکدیگر را بکشیم». در اینجا تخم‌مرغ می‌تواند استعاره‌ای از مردم بی‌دفاع فلسطین و دیوار، نماد ارتش بی‌رحم و سرایا مسلح رژیم صهیونیستی باشد. اشاره موراکامی به شرایطی است که بنا به تحلیل آکامبن، تقابل‌های دوتایی میان *ایژه/ سوزّه، توانمندی/ فعالیت* و *غیر در نمی‌شوند* بلکه در موقعیت حذف ادغامی قرار می‌گیرند؛ موقعیتی که عملاً آنها را تمییزناپذیر و غیرقابل تفکیک از یکدیگر می‌کند. حال چه می‌شود اگر تخم‌مرغ خود به بخشی از دیوار تبدیل شود؟

یک راه برای پاسخ به این پرسش، این است که به منشأ قصه تخم‌مرغ و دیوار بازگردیم؛ شعری کودکانه و چیستان‌وار از زبان الیس درباره هامپتی‌دامپتی تخم‌مرغ شکل در کتاب «آن سوی آینه» اثر لوئیس کارول که چنین روایت می‌کند: «هامپتی‌دامپتی مانند ترک‌های عثمانی پاهایش را چلیپا کرده بود و روی دیوار بلندی نشسته بود، دیواری آن‌قدر نازک که الیس متحیر ماند چگونه می‌تواند تعادل خود را حفظ کند. چشمانش کاملاً خیره به مقابل دوخته شده بود و کوچک‌ترین توجهی به الیس نداشت. الیس که فکر می‌کرد او هر لحظه امکان دارد بیفتد با دستانی کشوده که آماده گرفتارش بودند، پیش خودش می‌خواند: هامپتی‌دامپتی روی دیوار نشست/ هامپتی‌دامپتی سقوط سختی کرد/ همه اسب‌های شاه و همه مردان شاه/ نتوانستند او را دوباره سرجایش برگردانند، و بعد با خودش گفت: سطر آخر برای این شعر خیلی طولانی است. الیس با نگرانی مشفقانه‌ای به آن موجود عجیب گفت: فکر نمی‌کنی پایین، روی زمین جایث امن‌تر است؟ آخر آن دیوار خیلی نازک و بلند است. هامپتی‌دامپتی جواب داد: البته من این‌طور فکر نمی‌کنم؛ بالین‌حال اگر بیفتم، که احتمالش ضعیف است، پادشاه به من قول داده از زبان خودش شنیدم که… که… همه اسب‌ها و همه مردانش را به کمکم می‌فرستد. آنها س‌ریک دقیقه من را دوباره این بالا می‌گذارند».

به نظر می‌رسد که تصور جورجو آکامبن هم از اعضای «اجتماع آینده» خود بحث خود، به همین صورت است: هامپتی‌دامپتی‌هایی نشسته بر دیواری نازک و مرتفع که دو قلمروی متفاوت را از یکدیگر جدا می‌کند. در دایره واژگان آکامبن، این دیوار آستانه نامیده می‌شود و آن قلمروهایی که بینشان دیوار کشیده شده است، به اسامی مختلفی خوانده می‌شوند: طبیعت و تمدن، امر جهانی و امر محلی، حیات سیاسی و حیات بیولوژیک، انسان و حیوان و هر دو قطبی دیگری که وضعیت جاری ما را مسئله‌دار می‌کند. کنکاش در ماهیت و نسبت این تقابل‌های دوتایی، مضمون تعدادی از کتاب‌های او از جمله کتاب «انسان و حیوان: امر گشوده» بوده است.

به‌هرصورت گویا به‌زعم آکامبن بهترین موضوع و مناسب‌ترین مکان برای انسان اجتماع آینده، این است که در عوض جانبداری از یکی از طرفین تقابل یا محوکردن تقابل‌های دوتایی، به‌طورکلی همانند آنچه به دریدا نسبت داده می‌شود) موضعی شیبه به هامپتی‌دامپتی اتخاذ کند: نشستن روی دیوار مرزی و آماده‌شدن برای سقوطی سخت.

آکامبن در فصول مختلف کتاب «اجتماع آینده»، برای تشریح سیالیت «هر سان»، تقابل‌های دوتایی متعددی همچون تقابل عمومی/ خصوصی، درون/ بیرون، متبرک/ نفرین‌شده، فعالیت/ بالقوگی، *ایده/ مفهوم، جزئی/ کلی* را به کار می‌گیرد؛ اما همیشه طرفین تقابل را در موقعیت درآستانگی نسبت به یکدیگر (نه درون و نه بیرون) نگه می‌دارد. به‌عنوان مثال، در فصل «هاله‌ها» می‌نویسد: «ماده‌ای که مادون صورت نمی‌ماند بلکه آن را با هاله‌ای دربر می‌گیرد.» (ص ۷۴)

اجتماع آینده مدنظر آکامبن، اجتماعی است که در آن شرط تعلق داشتن یا باهم‌بودن افراد، بازماندایی‌پذیری نیست (چراکه تعلق به شرط بازماندایی‌پذیری به‌واسطه یک منطق حذف/ ادغامی خشونت‌بار عمل می‌کند، منطقی که کار اصلی‌اش بخش‌بندی افراد و به‌طور خلاصه «ما» را در مقابل «آنها» قراردادن، است و همچنین شرط بازماندایی‌پذیری به شکل‌گیری قطعیتهای جزمی نیاز دارد: قطعیت‌هایی درباره هویت، ثبات، ملیت و…). بلکه اجتماع مدنظر او، اجتماعی است درون پیش‌فرض، شامل موجوداتی تکنیه و عاری از این‌همانی، استقرار یافته در مکانی خالی و نمونه‌وار، آنها در یک زندگانی زبانی آشکار می‌شوند که از سویی تعریف‌ناپذیر و از سوی دیگر قارخ از هرگونه تعلق به طبقه‌ای خاص هستند.»

ولسی از فحواي کلام آکامبن چنین برمی‌آید که اطمینان دارد هامپتی‌دامپتی تخم‌مرغی‌شکل بر اثر این سقوط نخواهد شکست، در ظاهر چنین امیدی واهی به نظر می‌رسد؛ اما با توجه به نحوه بازسازی آن شعر کودکانه توسط لوئیس کارول، امید و امکان بالقوه چنین رخدادی در شعری که الیس می‌خواند، پیش‌بینی شده است؛ آنجاکه الیس متوجه می‌شود سطر آخر شعرش که پیش‌بینی سقوط تاج‌ناپذیر تخم‌مرغ بوده، قدری طولانی و نامتناسب است و سرانجام می‌بینیم که هامپتی‌دامپتی در پایان آن فصل از کتاب، نشکسته و هنوز سالم است. پس می‌توان با توجه به همین دغدغه الیس و با لحاظکردن ایده آکامبن، شعر را متناسب با حال و هوای مردمان اجتماع آینده و به صورتی طنزآمیز، این‌گونه بازنویسی (مارکسی). (همان)

وب‌سایت دیوید کیشیک با اندکی دخل و تصرف، کیشیک مترجم انگلیسی آثار جورجو آکامبن و دانشیار فلسفه دانشگاه امروسن در بوستون آمریکا است. آخرین کتاب او «پروژه منهن: نظریه یک شهر» است.